حادثه‌ها

۱۷سال‌ونیم‌حبس برای مرد عراقی که زن ایرانی را شکنجه داد

● **شرق:** مرد عراقی که زنی ایرانی را شکنجه کرده بود، از سوی قضات به ۱۷سال‌ونیم حبس محکوم شد. به گزارش خبرنگار ما، این مرد چند سال قبل در آلمان زنی ایرانی و دخترش را شکنجه کرده و بعد متواری شده بود.

بر اساس محتویات پرونده، سال ۹۳ بود که این زن به مأموران پلیس برلین مراجعه کرد و توضیح داد که مرد عراقی چطور او را شکنجه کرده است. هرچند مأموران تلاش خود را برای دستگیری مرد عراقی آغاز کردند، اما متوجه شدند او از مرز خارج شده و به ترکیه رفته است. وقتی زن ایرانی به کشور برگشت و شکایت خود را در ایران هم مطرح کرد، پلیس نام مرد عراقی را در فهرست متهمان تحت‌تعقیب قرار داد و مدت‌ها بعد توانست او را شناسایی و بازداشت کند. متهم در بازجویی‌ها به آزار زن ایرانی اعتراف کرد و گفت: من سال‌ها قبل در ایران زندگی می‌کردم و با زنی ایرانی آشنا شدم و با او نامزد کردیم، اما او بعد از مدتی از من جدا شد، چون با هم دعوا کردیم و من او را زدم، بااین‌حال از دست او عصبانی بودم. وقتی به آلمان رفتم، عکس‌های دختر جوان را در شبکه‌های اجتماعی پخش کردم که از او انتقام بگیرم. می‌دانستم چون آلمان هستم خطری من را تهدید نمی‌کند، اما بعد از سال‌ها که به ایران برگشتم، پلیس من را بازداشت کرد. چون نامزد سابقم از من شکایت کرده و من به پنج سال حبس به صورت غیابی محکوم شده بودم. بعد هم متوجه شدم که زن ایرانی دیگری هم که در برلین با او رابطه داشتم، از من شکایت کرده است. متهم درباره اینکه زن ایرانی را چطور شکنجه کرده است، گفت: ما با هم رابطه داشتیم، اما بعد از مدتی زن ایرانی به من گفت که دیگر نمی‌خواهد من را ببیند و رابطه ما تمام شده است. من سر این موضوع با او دعوا کردم، عصبانی شدم و نتوانستم خودم را کنترل کنم. به خانه‌اش رفتم و به او حمله کردم و قسمت‌هایی از بدنش را بریدم، اما قصدم این نبود که او را بکشم یا کاری کنم که زندگی برایش تمام شود.

متهم گفت: دختر زن جوان را در اتاق گذاشتم تا شاهد دعوای من و مادرش نباشد. قصدم این نبود که بچه را اذیت کنم و می‌خواستم او آسیبی نبیند. این مرد که پیش از این در عراق با زنی ازدواج کرده و از او هم جدا شده بود، گفت: من از قضات درخواست دارم مرا به‌خاطر بچه‌هایم ببخشند. با پایان جلسه رسیدگی، هیئت قضات برای صدور رأی دادگاه وارد شور شدند و متهم را به ۱۷سال‌ونیم حبس محکوم کردند. بر اساس رأی صادره، هفت‌سال‌ونیم حبس به‌خاطر نقص عضو زن جوان، چهارسال‌ونیم به‌خاطر شروع به قتل زن جوان و چهارسال‌ونیم هم به‌خاطر شروع به قتل دختربچه و ۹ ماه هم به‌خاطر کودک‌آزاری برای مرد عراقی حبس صادر شده است.

غرق‌شدن نوجوان ۱۴ساله در دریاچه ارومیه

● فرمانده انتظامی ارومیه از غرق‌شدن نوجوان ۱۴ساله در دریاچه ارومیه خبر داد. سرهنگ «حسین صمدپور» با اعلام این خبر گفت: روز سه‌شنبه گزارشی به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر غرق‌شدگی یک نفر در دریاچه «ارومیه» اعلام شد. وی افزود: با اعلام این خبر، بلافاصله تیم‌های امدادی و مأموران انتظامی در محل حادثه حاضر و مشاهده کردند جسد نوجوان ۱۴ساله‌ای روی آب شناور است. این مقام انتظامی بیان کرد: در ادامه تحقیقات پلیس، شاهدان حادثه عنوان کردند فرد حادثه‌دیده برای شنا داخل آب رفته بود که به علت مهارت‌نداشتن در فن شنا، جان خود را از دست داد. سرهنگ «صمدپور» اظهار کرد: با تلاش گروه‌های امدادی و مأموران انتظامی، جسد متوفی از آب خارج و برای بررسی بیشتر به پزشکی قانونی منتقل شد. فرمانده انتظامی ارومیه از تمام شهروندان خواست همواره هنگام حضور در اماکن مختلف تفریحی و گردشگری، از شناکردن در مناطق ممنوعه مانند سدها و رودخانه‌های عمیق که بی‌تردید حوادث جبران‌ناپذیری را برای آنها در بر خواهد داشت، بپرهیزند.

توقیف تریلی حامل ۲۰۴ کیلوگرم تریاک در بوشهر

● **پلیس:** فرمانده انتظامی استان بوشهر گفت: مأموران پلیس از یک تریلی، ۲۰۴ کیلوگرم تریاک کشف کردند. سردار «حیدر عباس‌زاده» اظهار کرد: مأموران پلیس با اشراف اطلاعاتی توانستند خودرویی که قصد داشت مقادیر زیادی مواد مخدر را از جاده‌های استان عبور و به دیگر استان‌ها انتقال دهد، شناسایی و توقیف کنند. وی اضافه کرد: از این تریلی که در یکی از محورهای مواصلاتی بوشهر در تور عملیاتی پلیس قرار گرفت، ۲۰۴ کیلوگرم تریاک که به طرز ماهرانه‌ای در زیر خودرو جاسازی شده بود، کشف شد. گفتنی است در این عملیات یک نفر دستگیر و برای ادامه تحقیقات در اختیار پلیس مبارزه با مواد مخدر قرار گرفت.

گفت‌وگو با عضو خانواده مردی که اعضای بدنش چند نفر را نجات داد

ابراهیم خودش می‌خواست اعضای بدنش اهدا شود

شرق: خانواده مردی که بر اثر سقوط بالابر دچار مرگ مغزی شده بود، با رضایت به اهدای اعضای بدن او کمک کردند تا سه بیمار نیازمند به پیوند عضو، زندگی بهتری را تجربه کنند. راضیه آسوده، مسئول هماهنگی اهدای عضو دانشگاه علوم پزشکی فسا، دراین‌باره گفت: مردی که اعضای بدن او اهدا شد، ابراهیم قدمی ۴۸ساله و ساکن داراب بود که با فداکاری و ایثار خانواده مرحوم که دچار مرگ مغزی شده بود، اعضایش به سه بیمار نیازمند، اهدا شد. ابراهیم قدمی پس از انجام مراحل تأیید مرگ مغزی و با فداکاری و رضایت خانواده‌اش در بیمارستان حضرت ولی‌عصر(عج) فسا، با همکاری بخش پیوند دانشگاه علوم پزشکی شیراز، تحت عمل جراحی و جداسازی اعضا قرار گرفت و کبد و دو کلیه وی برای پیوند به بیمارستان نمازی شیراز ارسال شد. ابراهیم قدمی سومین اهدای عضو در سال جاری است که مراحلی از آن در بیمارستان تخصصی و فوق‌تخصصی حضرت ولی‌عصر(عج) شهرستان فسا انجام شده است. در ادامه گفت‌وگو با «حجت‌الله شنبدی»، داماد خانواده قدمی را می‌خوانید.

این اتفاق مرگ‌بار چطور رخ داد؟

ابراهیم پیمان‌کار بود و زمان حادثه برای نظارت سر کار رفته بود. بالابری در طبقه دوم بود که می‌خواستند ایزوگام‌ها را با آن بالا ببرند. ظاهرا بالابر سه، چهار روز قبل از حادثه نصب شده بود و درست مهار نشده بود و مدت کوتاهی پس از آنکه کارگر دکمه دستگاه را می‌زند، دستگاه با بارش سقوط می‌کند و بر سر آن مرحوم می‌خورد. بر اثر این سقوط، صدمات و آسیب جدی مغزی به ابراهیم که ظاهرا در طبقه همکف با تلفن صحبت می‌کرده، وارد شد. البته ممکن است نبود جراح مغز و اعصاب در داراب در تشدید عوارض ناشی از ضربه مغزی که منجر به مرگ شد، بی‌تأثیر نبوده باشد. به‌هرحال، وقتی پزشکان مرگ مغزی او را به من خبر دادند، آخرین کاری که می‌توانستم بکنم، رایزنی با پدر و مادر همسرم بود تا برای اهدای عضو، رضایت دهند. آنها بعد از دو روز که از حادثه گذشت، رضایت دادند و از بیمارستان نمازی شیراز آمدند و دو کلیه و کبد را برای پیوند برداشتند و بعد هم جسد به پزشکی قانونی رفت تا جواز دفن صادر شود. حادثه سقوط سه‌شنبه اتفاق افتاد و پنجشنبه اعضا برای پیوند برداشته شد.

آن مرحوم چند فرزند داشتند؟

دو پسر ۲۱ و ۱۷ساله داشت.

چه شد که تصمیم به اهدای عضو گرفتید؟

من فرهنگی بازنشسته هستم و در جبهه رزمنده بودم. از همه مهم‌تر اینکه ابراهیم ۱۰ سال پیش برای اهدای عضو فرم پر کرده بود و درخواست اهدای اعضای بدن را بعد از مرگش داشت؛ ضمن اینکه ما نمی‌خواستیم خانواده‌های دیگر آن‌جور که ما داغدار عزیزمان شدیم، داغدار شوند و می‌خواستیم که باقیات‌الصالحاتی هم برای آن مرحوم باشد و دل چند همشهری و هم‌وطن شاد شود.

چطور شد که از ماجرای درخواست اهدای عضو از سوی ابراهیم قبل از مرگش مطلع شدید؟

او ۱۰ سال پیش این کار را کرده بود و من زمان رایزنی با پدر و مادرش، از ماجرا خبر نداشتم؛ اما چون دامادشان بودم و به من اعتماد داشتند و می‌دانستم که وقتی مرگ مغزی اتفاق بیفتد راه برگشتی نیست و بهتر است هرچه زودتر اهدا انجام شود، فوری دست‌به‌کار شدم؛ چون می‌دانستم اگر مدت زیادی در همان شرایط بماند، اعضای بدنش از کار می‌افتد. برای همین فوری با خانواده صحبت کردم. در نهایت اهدای عضو تصمیم خانواده بود و با رضایت پدر و مادر و همسرش انجام شد.

واکنش اطرافیان وقتی متوجه می‌شدند که اهدای عضو انجام شده است، چه بود؟

معمولا خیلی تشکر می‌کردند که کار بزرگی کردید. ولی افرادی که اطلاعات و سواد کمتری داشتند، فکر می‌کنند ضربه مغزی و مرگ مغزی یک مفهوم دارد. به من که داماد خانواده هستم، می‌گفتند کاش نگهش می‌داشتید، ممکن بود بعد از چند ماه دوباره به زندگی برگردد.

وقتی این حرف‌ها را می‌شنیدید، واکنش شما چه بود؟

به آنها می‌گفتم من در شیراز و تهران با چند متخصص زبده مشورت کردم و حتی حاضر بودیم اگر فایده دارد، او را به تهران ببریم؛ اما بعد از بررسی مدارک، همه آنها گفتند کاری نمی‌توان برایش انجام داد و هرچه زمان بگذرد امکان اهدای عضو هم کمتر می‌شود.

گفتید مخالفت‌های جزئی قبل از رضایت وجود داشت.

با خانواده که صحبت کردم، مایل به اهدای عضو بودند؛ اما تاکنون شرایط برایشان پیش نیامده بود و وقتی موضوع کامل برایشان توضیح داده شد، برای این کار خداپسندانه اعلام رضایت کردند.

چه شد که خانواده راضی شدند؟

من خیلی تلاش کردم ولی در این‌جور مواقع بهتر است یک تیم پزشکی مشاوره بدهد که درباره ابراهیم این اتفاق افتاد. البته خانم آسوده (مسئول اهدای عضو فسا) هم خیلی زحمت کشیدند؛ اما اگر تیم پزشک فوق‌تخصص بود، راحت‌تر می‌شد نظر خانواده را جلب کرد. خانواده باید به این باور برسند که مرگ مغزی در هیچ جای دنیا مثلا آلمان و آمریکا هم درمان ندارد و تنها کاری که در این شرایط می‌توان کرد، اهدای اعضا است و در هیچ کجای دنیا راه نجاتی وجود ندارد؛ اگر مردم به این باور برسن، از آنجایی که بخشش ریشه‌هایی فرهنگی و مذهبی در جامعه ما دارد، راحت‌تر برای اهدای عضو رضایت می‌دهند. البته وابستگی به مرده هم خیلی زیاد شده و مردم باور نمی‌کنند که عزیزشان از دست رفته و عام و خاص و تحصیل‌کرده هم ندارد. این باور را هم قبل از اینکه اتفاقی بیفتد، باید اصلاح کرد؛ چون کسی را که مرگ مغزی شده، بیشتر از دو، سه روز نمی‌توان نگه داشت. من همان روز اول فهمیدم و فوری ملاقات گرفتم تا خانواده خودشان شرایط را ببینند و راضی شوند. البته بعد از رضایت خانواده هم پزشکان متخصص، فرد مرگ مغزی را زیر نظر می‌گیرند و بعد نظر قاطع خود را اعلام می‌کنند.

چه سختی‌های دیگری در این مسیر ممکن بود به وجود بیاید که مانع اهدای عضو شود؟

به‌جز کارهای مشاوره و راضی‌کردن خانواده که به تنهایی بر عهده خانم آسوده بود، فرم‌هایی هم در نیروی انتظامی و پزشکی قانونی و جاهای دیگری باید پر کرد و همین کارهای اداری، روال را سخت می‌کند. اگر گروهی مأمور باشند تا خانواده‌ای که قصد اهدای عضو دارد، کمتر زجر بکشد، بهتر است.

حبس و شلاق، مجازات آدم‌ربایان متعرض

شرق: دادگاه، متهمانی را که در دو پرونده جداگانه پس از آدم‌ربایی، اقدام به آزار و اذیت شهروندان کرده بودند، به ده‌ها سال حبس و شلاق محکوم کرد. در پرونده اول سه جوان که قصد کمک به زنی جوان را داشتند، پس از آنکه او را از چنگال متجاوزان رها کردند، خود تصمیم به تعرض گرفتند. این زن جوان اواخر فروردین‌ماه سال گذشته با حالتی پریشان به کلانتری ۱۷۶ حسن‌آباد رفت و از آزارش از سوی چند جوان در بیابان‌های اطراف خبر داد. با طرح این شکایت با موضوع تهدید و آزار و اذیت، پرونده به پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران بزرگ فرستاده شد و زن جوان در آنجا گفت: من در زمینه تهیه وسایل تزئینی فعالیت می‌کنم و برای این کار نیاز به سنگ داشتم- عصر روز حادثه برای تهیه مقداری سنگ شنی که می‌خواستم در کارهایم استفاده کنم به زمین‌های کشاورزی اطراف اتوبان تهران - قم رفته بودم. در آنجا دو جوان که سوار یک موتورسیکلت بودند وقتی من را دیدند قصد ایجاد مزاحمت داشتند که با آنها درگیر شدم.

هنوز مدت زیادی نگذشته بود که ناگهان سرنشینان دو دستگاه خودرو نیسان که سه نفر بودند از دور متوجه درگیری ما شدند و خود را به آنجا رساندند و به حمایت از من با استفاده از چاقو، دو موتورسوار را فراری دادند. پس از فرار موتورسواران، راننده یکی از نیسان‌ها به من گفت منطقه امن نیست و پیشنهاد داد من را به شهر برسانند. من هم با تصور اینکه آنها در حمایت از من با آن دو مزاحم درگیر شده‌اند، به آنها اعتماد کردم و سوار یکی از خودروهای نیسان شدم، اما در میان راه ناگهان تغییر مسیر دادند و به بیابان‌های اطراف حسن‌آباد رفتند. آن‌موقع بود که متوجه نیت واقعی آنها شدم، اما دیگر هیچ کاری از دستم برنمی‌آمد. به گفته زن جوان، در بیابان، فرد چهارمی هم به آن سه نفر اضافه شده بود و چهار نفری نقشه شوم خود را عملی کرده و بعد هم او را در تاریکی شب در بیابان رها کرده بودند. با توجه به حساسیت پرونده، تیم ویژه‌ای از کارآگاهان مسئول رسیدگی به پرونده شد و در نهایت با مشخصاتی که شاکی از متهمان داده بود، یکی از آنها به نام فرهاد شناسایی و دستگیر شد. در ادامه، فرهاد پس از مواجهه حضوری با شاکی پرونده لب به اعتراف گشود و ضمن اعتراف صریح به آزار و اذیت شاکی، سه نفر همدستش را که از بستگانش بودند به نام‌های سعید، سیامک و رحیم معرفی کرد. سعید با تأیید اظهارات شاکی در اعترافاتش به کارآگاهان گفت: «راننده خودرو نیسان هستم. در کیلومتر ۶۵ اتوبان تهران - قم متوجه شدم که چند جوان با یک خانم جوان درگیر شده‌اند. وقتی این خانم مرا دید، از من درخواست کمک کرد و من نیز با آن جوان‌ها درگیر شدم. در حین درگیری، سیامک و رحیم نیز با مشاهده صحنه درگیری به کمک من آمدند و نهایتا آنها را فراری دادیم، اما در ادامه تصمیم گرفتیم خودمان نقشه شومی را اجرا کنیم. در نهایت هر سه متهم دیگر پرونده نیز دستگیر شدند و پس از تکمیل تحقیقات، پرونده متهمان برای محاکمه به دادگاه کیفری استان، شعبه هفتم فرستاده شد و قضات دادگاه کیفری استان پس از برگزاری جلسه محاکمه، در مورد اتهام رابطه نامشروع هر چهار متهم را گناهکار تشخیص دادند و دو نفر از آنها را به صد ضربه شلاق، یکی دیگر از متهمان را به ۹۹ ضربه شلاق و متهم ردیف چهارم را به ۲۰ ضربه شلاق محکوم کردند. همچنین متهمان ردیف اول و دوم هر کدام به دو سال تبعید و دو سال ممنوعیت رانندگی وسایل نقلیه عمومی و خودروهای امدادرسان محکوم شدند. روز گذشته متهمان پای میز محاکمه رفتند و این‌بار به اتهام آدم‌ربایی به قضات پاسخ دادند. در نهایت هیئت قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

در دومین پرونده، حکم متهمی که پنج پسر و یک زن را مورد آزار و اذیت قرار داده بود، از سوی دیوان‌عالی کشور مورد تأیید قرار گرفت. متهم ۲۸ ساله که در شعبه دوم مورد محاکمه قرار گرفته بود، هرچند از سوی شاکیان مورد شناسایی قرار گرفت، اما فقط دو مورد تعرض را قبول کرد و مدعی شد تجاوز به معنایی که در قانون آمده است را مرتکب نشده است. متهم درباره اینکه چرا پول‌های متهمان را سرقت می‌کرد هم گفت: من این پول‌ها را سرقت می‌کردم که بتوانم هزینه مواد مخدری که استفاده می‌کردم را تأمین کنم.

متهم بعد از پایان دفاعیات خود به ۶۰ سال حبس به‌خاطر آدم‌ربایی، ۷۲ سال حبس به‌خاطر سرقت و دوسال‌ونیم حبس به‌خاطر استفاده از اسپری فلفل و ۵۹۴ ضربه شلاق به‌خاطر سرقت مقرون به آزار و ۲۰۰ ضربه شلاق به‌خاطر آزار و اذیت دو کودک محکوم شد. این حکم در دیوان‌عالی کشور مورد تأیید قرار گرفت.

دستگیری باند قاچاق مواد مخدر در «گرانادا»

تیپیکالی اسپانیش: باند تبهکاری بزرگی که در زمینه تجارت حشیش فعالیت داشت، در عملیاتی مشترک با همکاری پلیس گواردیا، پلیس ملی و اداره مالیات اسپانیا منهدم شد. در جریان این عملیات، تمام اعضای این باند دستگیر شدند و تمام تجهیزات آنها از بین رفت. بعد از انجام تحقیقات در استان «گرانادا» و شهر «موریسیا»، سه هزار کیلوگرم حشیش و هفت دستگاه خودرو متعلق به این باند تبهکاری مصادره شد و شش اسپانیایی و یک مراکشی، به اعمال جرم علیه سلامت عمومی و عضویت در باند تبهکاری متهم شدند. از خودروها برای حمل و جابه‌جایی مواد استفاده می‌شد. اولین مرحله تحقیقات در آگوست ۲۰۱۶ و زمانی آغاز شد که پلیس ۴۷۰ کیلوگرم حشیش در خودرویی در اتوبان مانیلوا کشف کرد و راننده این خودرو به اتهام اعمال جرم علیه سلامت عمومی دستگیر شد. بعد از این اتفاق تحقیقات ادامه پیدا کرد و بازجویان معتقد بودند فرد دستگیرشده عضو باندی تبهکار در شهرهای «کادیز»، «مالاگا»، «گرانادا»، «موریسیا» و «جیرونا» است. با انجام تحقیقات بیشتر مشخص شد اعضای این باند مقادیر زیادی حشیش تولیدشده در شهر کادیز را به وسیله خودرو به گرانادا منتقل کرده و این مواد را در این شهر پنهان می‌کنند. سپس اعضای باند محموله را به جیرونا منتقل و در نهایت آن را به کشورهای اروپایی قاچاق می‌کنند. مقصد این مواد بیشتر کشورهای فرانسه و ایتالیا بوده است. در جریان عملیات هفت نفر بازداشت شدند. اعضای این باند عضو دو خانواده هستند که سابقه قاچاق مواد نیز در پرونده آنها دیده می‌شود. جست‌وجوها در موریسیا و گرانادا انجام شد و در نهایت مأموران در گاراژی متعلق به این باند موفق به کشف ۲۴،۵ کیلوگرم حشیش شدند.

پزشک انگلیسی به ۱۱۸ فقره جرم جنسی متهم شد

پزشکی در شهر لندن به انجام ۱۱۸ فقره جرم جنسی متهم شده است. پلیس اعلام کرد یک فقره از این جرائم مربوط به کودکی با سن کمتر از ۱۳ سال است. دکتر «مانیش‌شاه» ۴۷ساله متهم است که بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ به حداقل ۵۴ قربانی متفاوت در مطب خود در شرق لندن تجاوز کرده است. بنا بر اظهارات پلیس لندن وی باید در دادگاه در مقابل ۱۱۷ فقره جرم از خودش دفاع کند. اتهام تجاوز به کودک خردسال نیز به صورت جداگانه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. تحقیقات درباره مانیش‌شاه از چهار سال پیش در دستور کار پلیس قرار گرفته بود. وی باید در تاریخ ۳۱ آگوست در دادگاه حاضر شود.

رخداد

ناکامی قاچاقچیان در انتقال ۱۵۰ کیلوگرم مواد مخدر

● **پلیس:** فرمانده انتظامی شهرستان کرمان از دستگیری سه سوداگر مرگ و کشف بیش از ۱۵۰ کیلوگرم تریاک از سوی مأموران انتظامی بخش راین خبر داد. سرهنگ «عبدالعلی روانبخش» در گفت‌وگو با خبرنگار پایگاه خبری پلیس، در تشریح این خبر گفت: مأموران انتظامی «بخش راین با همکاری عوامل یگان تکاوری ۱۱۳ راور» با انجام اقدامات اطلاعاتی از حمل و جابه‌جایی مواد مخدر از سوی قاچاقچیان مطلع شدند و پیگیری موضوع به صورت ویژه در دستور کار آنان قرار گرفت. وی بیان کرد: در همین راستا، مأموران انتظامی با گشت‌زنی در محدوده مدنظر، به یک خودرو پژو۴۰۵ مشکوک شده و دستور توقیف آن را صادر کردند که راننده بدون توجه به ایست پلیس، اقدام به فرار می‌کند. روانبخش در ادامه افزود: با فرار راننده، مأموران نیروی انتظامی پس از چند دقیقه تعقیب‌وگریز خودروی مدنظر را متوقف کردند. این مقام انتظامی تصریح کرد: مأموران در بازرسی از این خودرو، ۱۵۱ کیلوگرم تریاک را که به صورت ماهرانه‌ای جاساز شده بود، کشف و راننده و سرنشین خودرو را نیز دستگیر کردند. وی با بیان اینکه در این عملیات یک خودروی سواری پراید در نقش راه‌پاک‌کن قصد فریب مأموران انتظامی را داشت، افزود: پس از دستگیری راننده پراید، سه متهم برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضائی تحویل داده شدند.

اعتراف به ۱۲ سرقت مسلحانه در ایرانشهر

● **میزان:** جانشین انتظامی شهرستان «ایرانشهر» از دستگیری سارق مسلح سابقه‌دار و کشف ۱۲ فقره سرقت در این رابطه خبر داد. سرهنگ غلامرضا نورا گفت: مأموران اداره مبارزه با سرقت پلیس ایرانشهر، در ادامه پایش‌های اطلاعاتی و بررسی پرونده‌های سرقت‌های مسلحانه در سطح شهرستان، سارق مسلح فراری را شناسایی و تحت مراقب قرار دادند. وی افزود: مأموران حین دستگیری سارق، با او به صورت مسلحانه درگیر شدند. در بازرسی از مخفیگاه او، یک دستگاه خودرو و یک دستگاه موتورسیکلت سرقتی، دو قبضه اسلحه کلاش و مقادیری مهمات کشف شد. جانشین انتظامی شهرستان ایرانشهر در پایان، گفت: تلاش برای دستگیری دو همدست این سارق ادامه دارد.